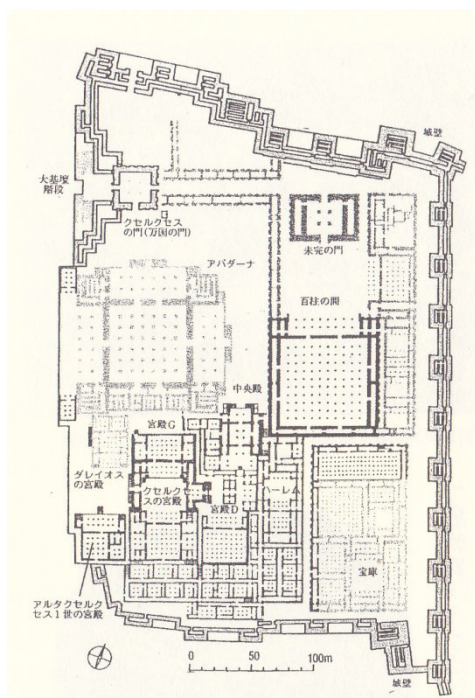


جنبش خورتای (کورتای): پرشیا

نگارش تسوتومو کوچی (Tsutomu Kuji)

برگردان فارسی از جمشید جمشیدی



کاخ تخت جمشید.

پرشیا سرزمینی که تا سطح یک امپراتوری جهانی گسترش یافت

پیوند پرشیا و ژاپن از عصر باستان عمیق است. پرشیا از طریق جاده ابریشم زمینی (جاده دشتزاری و واحه ها) و راه دریائی ارتباطات و تجارت را با سرزمین های دیگر برقرار کرد.

داریوش اول پادشاه هخامنشیان در سال 525 پیش از میلاد با تحکیم پایگاه خود در پارسه در فلات ایران تمام اورینت (شرق-م) را به وحدت در آورد. داریوش تمام استان ها را با ساختن راه ها مرتبط کرده بود و به عنوان "جاده امپراتوری کهن" مورد استفاده قرار می داد. این جاده در غرب از آسیای صغیر تا یونان، در شرق جاده آسیای میانه و تا شمال غربی هندوستان ادامه می یافت. او نه تنها در روی زمین بلکه با ایجاد آبراه میان رودخانه نیل و دریای سرخ با نفوذ به مصر و هند راه آبی رودخانه هند را نیز گشود. این اتصال راه ها نه فقط تسلط امپراتوری را بر مناطق بسیار تسهیل می کرد بلکه امکانی برای تبادلات بازرگانی، فرهنگی و دینی نیز بود.

داریوش اول در راستای گسترش امپراتوری خود مناطق حاشیه ی رودخانه هند را به زیر سلطه ی خود در آورد. "جاده امپراتوری" از پارسه تا این نقطه ادامه داشت. زبان، واحد پول، معماری و مدیریت اجرایی همگی متأثر از پرشیا بودند.

آنین مهرپرستی (میترائیسم) اولین دین جهانی

آنین مهرپرستی (میترائیسم) که به نخستین دین جهانی مشهور است نه فقط در پرشیای هخامنشیان، پادشاهی ساسانیان، ارمنستان، آناتولی بلکه تا امپراتوری رم و سراسر سرزمین های مستعمره ی آن عمیقاً گسترش یافت. حکایت است که جوانان پرشیائی حقیقت و عدالت را از آموزه های میترا فرا گرفتند. در امپراتوری پرشیا آموزه های میترا جایگاه

¹ کورتای یا خورتای Khurtai یا کوریلتای (Quriltai) واژه ای مغولی است که در منابع ژاپنی باستان وارد شده است. خورتای در زبان مغولی به معنای اجلاس سران است. در زبان ژاپنی پیوند و اتصال معنا شده است. - م

ارزشمندی داشته است.

میترا در اصل خدای اقوام مهاجر آریائی بوده است و در آئین هندو (مایتریا-م)، دین زرتشت هم مورد پرستش قرار می گرفته است، و از نوع باورهای بسیار کهن شمرده می شود.



牛を殺すミトラ神 (『ミトラの密儀』より)

میترا در حال ذبح گاو مقدس (منبع "اشراق میترا")

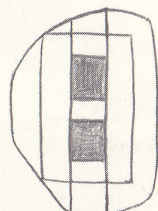
ایزد میترا به "خدای حقیقت"، "خدای نجات"، "خدای سعادت بخش"، "جنگاور" و "شکست ناپذیر" مشهور است. او در زمره خدای بزرگ و خدای واحد پذیرفته شده بود.

در امپراتوری رم باستان و سرزمین های مستعمره ی آن کتیبه هایی به زبان یونانی مشاهده می شد که نام ایزد میترا در ردیف نام خدایان زئوس و هریوس قرار داشت. پس از پیروزی اسکندر مقدونی و ظهور سلسله پادشاهی هلنیسم عصر چند خدائی یونانی و آئین میترا فرا می رسد. در امپراتوری پرسیا علاوه بر آئین زرتشتی، مهرپرستی (میترائیسم) به عنوان ستونی مهم از باورهای دینی قلمداد می شد.

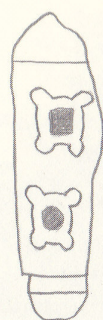
شخصیت میترا به عنوان "خدای رفاقت" در ردیف "مهرورزی بودا" در آئین بودیسم و "خدای نوع دوستی" در عیسویت پذیرفته شد. به عبارتی می توان تاکید کرد که شخصیت میترا به عنوان "ایزد رهائی" در ردیف "بودی ستوای رهائی" در آئین بودیسم و "مسیح" در دین عیسوی پذیرفته شده بود.

سرچشمه ی آئین زرتشتی و گسترش آن

سازه سنگی سومیتا
(شکل دوبعدی)



آتشکده نقش رستم
(شکل دوبعدی)



سازه سنگی سومیتا از ساختاری شبیه آتشکده
زرتشتی برخوردارست. (منبع: دسان)

دین زرتشتی هفت هزار سال (به روایتی دوازده هزار سال) پیش از میلاد با پیامبری زرتشت پس از برگزیده شدن از طرف خدای آسمان، حقیقت و عدالت اهورامزدا تاسیس شد، و بدون محدود شدن در چارچوب دین قومیتی به عنوان دینی جهانی اعتلا پیدا کرد.

خدای بزرگ اهورا مزدا، خالق جهان و توانا، به عنوان خدای نیکی و انگرامینو خدای بدی، استقرار دستگاه قضاوت و بهشت و جهنم پس از مرگ و بالاخره ظهور مسیح اهورا مزدا برای نجات بشر از خصوصیات این دین است. "اوستا" کتاب مقدس زرتشتی با وحی آسمانی بوسیله زرتشت نگاشته شده است.

اگر چه آئین زرتشتی پس از ظهور مهرپرستی (میترائیسم) تاسیس می شود اما مفاهیمی از جمله "خدای روشنایی" و "الهه منجی" را از این آئین به ارث می برد. دین زرتشتی با آئین مهرپرستی همزیستی داشته است و آن هم به جهت ادغام ایزد میترا در دین زرتشتی است.

دین زرتشتی از قرن هفتم تا قرن چهارم پیش از میلادی که پادشاهی پرشیای هخامنشیان ادامه داشت پس از ترویج باورهای آن در میان خانواده شاهان تبدیل به دین رسمی می شود و همچنین در سلسله پادشاهی ساسانیان (قرن سوم تا هفتم میلادی) نیز به عنوان دین رسمی و ملی مورد احترام بوده است.

باورهای زرتشت حتی پس از غلبه اسکندر بر پرشیا و استقرار دولت هلنی بدون تزلزل توانست از طریق جاده ابریشم به آسیای میانه، چین، هند و ژاپن گسترش پیدا کند. حتی پس از انقراض سلسله پادشاهی ساسانیان پیروان پرشیائی دین زرتشتی به همراه بزرگان سلطنتی به طور جمعی وارد چین شدند.

امپراتور سای می² در نظر داشت پایتخت پرشیا را در آسکا باز سازی کند



امپراتور سای می

در عصر آسکا هم سردار سوگا اومانو کو³ و هم امپراتور سای می با استخدام فعالان ی معماران پرشیائی سعی داشتند نمونه ی معابد و کاخ های زرتشتی را در قصر آسکا محل فرمانروائی خود بازسازی کنند.

² امپراتور سای می (Saimei) اولین زن امپراتور است که در عصر آسکا در قرن هفتم میلادی بر سکوی فرمانروائی جلوس می کند. - م

³ Soga Umanoko

در عصر آسکا در ساختمان قصرها، کوچه ها و جاده ها و میدان ها، جوی ها، باغ ها و برکه های پایتخت از سنگ استفاده می شده است. میدان سنگی به مساحت بیست هزار متر مربع در جوار قصر آسکا کشف شده است. این میدان سنگی شباهت زیادی با تخت جمشید پایتخت سنگ فرش شده ی امپراتوری پرشیا دارد.

ساختمان معبد آسکا، قبرها، باغ ها و انبارها را در زمان صدارت امپراتور سای می با تخت جمشید مقایسه کنیم شباهت بارزی دارند. در زمینه نقاط مشترک میان تخت جمشید و آسکا می توان از وجود جوی (خندق) دورتا دور ساختمان، چندین دروازه برای ورود و خروج و راه روهای سنگ فرش شده درون کاخ ها نام برد. افزون بر این وجود اتاق مخصوص پادشاه، اتاق مخصوص رتق و فتق امور، خوابگاه سربازان، انبار و اتاق گنجینه ها قابل تصورند.

نقش گل های نیلوفر آبی با دوازه گلبرگ بهمره نقش شیرهای نگهبان روی پله های کاخ آپادانا کاملاً با آرم گل داودی خانواده امپراتور ژاپن شباهت آشکاری دارد. باز این نقوش با نقوش تزئینی سر در معابد شباهت فوق العاده ای دارند.

سرستون های کاخ تخت جمشید مزین به شیر دال (سیمرغ؟- م)، گاو، شیر، چهره انسان و گل نیلوفر بودند، در آسکا سازه سنگی معروف به "میمون سنگی" وجود دارد که متناظر با تزئینات تخت جمشید است. در میان مجسمه های سنگی "میمون سنگی" صورت های فکاهی وجود دارد اما برخی از آن ها به گونه ای حیرت آور شباهت به گاو، شیر یا چهره انسان را دارند. در میان آن ها صورت هائی مشاهده می شود با ریش پرپشت مجعد چانه که شباهت زیادی به مردم پرشیا دارند. رایحه ای از سوی غرب بمشام می رسد. چه در تخت جمشید و چه در آسکا سازه های سنگی با دو سر وجود دارند که پشت بهم کرده اند.



مجسمه ی سنگی زن و مرد در موزه آثار
آسکا. هر دو چهره شباهت انکار ناپذیر با
مردم پرشیا دارد. این سازه دارای فواره هم
است.



مجسمه ی سنگی دو چهره ای.

پرشیا در درون فرهنگ آسکا

اکنون به معرفی ویژگی های این آثار سنگی می پردازم. نفوذ پرشیای باستان در آن ها بسیار غلیظ است. در باره اهدافی که پشت ساخت این سازه های سنگی بوده است اطلاعات دقیقی وجود ندارد. می توان حدس زد این سازه ها با اهدافی در

رابطه با مناسکی، تشریفات پذیرائی یا به عنوان مکان های دینی ساخته شده باشند. اما تصور رابطه آن ها با آئین زرتشتی به نظر توجیح پذیر تر می آید.

در سنگ دوچهره مفهوم نیک و بد، جنگ میان اهورا مزدا خدای نیکی و انگرامینو خدای بدی در آئین زرتشتی تداعی می شود.

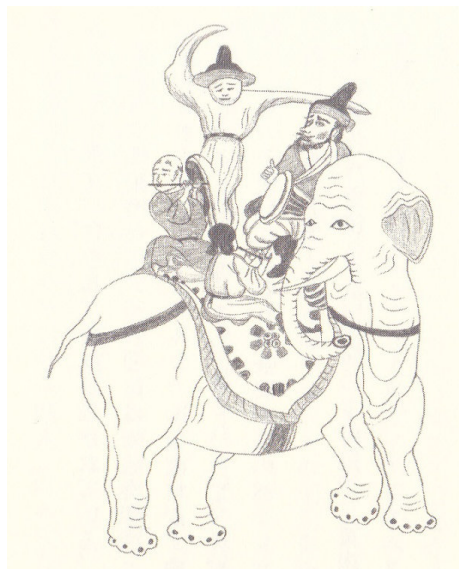
سنگ های دوچهره در عصر آسکا بیشتر در فضای مرزی خرد، در مرز میان رودخانه و خشکی تعبیه شده بودند. مرز میان قصر و فضای بیرون از آن، و شاید در مرز میان این جهان و آن جهان بوده است. بی جا نیست تا دنیای خاکی و جهان روحانی زرتشتی را بخاطر بیاوریم. سنگ ها یا اجزای مجموعه ی معابد آئین زرتشتی بودند یا در باغ های تزئینی خانواده سردار سوگا تعبیه شده بوده اند.

درون سازه سنگی دوچهره مجرائی برای جریان آب وجود دارد و وجود سوراخ کوچکی در بالای آن طرح فواره ای را تداعی می کند تا آب را به بیرون هدایت کند. وجود این سازه های سنگی تداعی این واقعیت است که همواره آب در حوض ها و جویبارها جریان داشته باشد. نه فقط سنگ بلکه آب نیز از تاکیدات مردم مهاجر پرشیانی بود و به نظر می آید که سوگا آن ها را وادار به ساخت این سازه های سنگی کرده باشد.

به نظر می آید که سنگ های لاک پشتی هم نمونه های نا تمامی از سنگ های دوچهره باشند. بسیاری از آن ها شمایل مردم مهاجر پرشیانی را تداعی می کنند.

نمونه های سازه ی سنگ غول پیکر سومیتا (Sumita) به مانند طرح های سنگفرش ها با طول ده ها متر یا صدها متر و با وزن صدها تن و شاید هزارها تن باقی مانده است که نفوذ کارشناسان پرشیانی در ساخت آن ها بسیار محتمل است. اگر چه به نظر می آید آن ها با فن آوری و ابزار مشترکی این سنگی ها را خلق کرده باشند ولی در هیچ نقطه ای از کشور این تعداد هنگفت سنگ مشاهده نشده است.

پرشیان در عصر نارا⁴



افراد پرشیانی در حین نوازندگی و رقص بر روی فیل.

⁴ فاصله ی تاریخی 710 تا 794 میلادی را عصر نارا می گویند و آن زمانی است که شهر نارا پایتخت و مرکز سیاست گزاری بوده است. در طول این دوران شهر نارا به هی جوکیو (قصر و دیار آرامش) معروف بوده است. - م

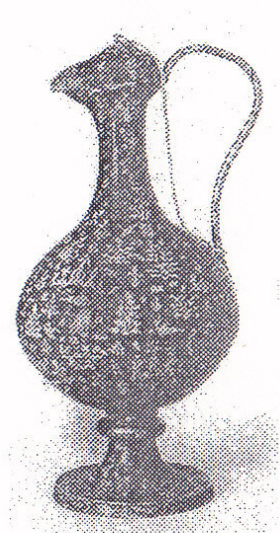
روابط دوستی میان ایران و ژاپن از طریق جاده ابریشم تاریخ بسیار کهن دارد و در مضمون بسی غنی است. سرزمین های پرشیا در زمان های گوناگون در تسلط امپراتوری آشوریان، پادشاهی جدید بابل، سلسله شاهنشاهی ساسانی قرار داشته است. ساسانیان با استقرار در مرکز فلات ایران بر سرزمین های میان رودان (بین النهرین)، قسمت هایی از آسیای مرکزی، امپراتوری رم شرقی و بخش غربی هندوستان مجاور رودخانه هند تسلط خود را تثبیت کرده بودند. راه زمینی و دریائی جاده ابریشم در تسلط ساسانیان بود و از این طریق مکرراً با چین و ژاپن مبادلات تجاری انجام می دادند.

عمدتاً در دوران سیاستمداری ری میتسو (Rimitsu) بود که گروهی از پرشیانی ها به ژاپن آمده و در حین بازدید از نارا مورد احترام بسیار دربار قرار می گیرند. محتمل است که ری میتسو پزشک یا مطرب باشد. حدس زده می شود که در این زمان گی گاکو (Gigaku)⁵ از پرشیا به ژاپن منتقل شده باشد.

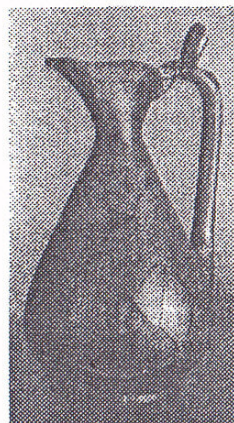
همان گونه که گنجینه های درون نمایشگاه شوسواین⁶ (Shoso-In) در شهر نارا اثبات می کنند اقلام بسیار از جمله دست ساخته های شیشه ای، سفالی، هنرهای دستی فلزی، ظروف بلورین، آلت موسیقی بی وا (اقتباس از بریط ساسانیان- م)، عطریات، دارو، محصولات بافندگی، پشم، میوه جات مثل انگور، هندوانه، خرما، انار، انجیر و غیره ظاهراً از پرشیا به ارمغان آورده شدند. بموازات ورود این محصولات استادان ماهر در زمینه های هنرهای دستی، آلات تزئینی فردی، بافندگی و کارهای شیشه ای از پرشیا به هند و چین و کره و ژاپن مهاجرت کردند.

بخصوص ظرف بلورینی که به هنگام رونمایی تندیس بودای بزرگ در شوسواین به نمایش گذاشته شد شباهت غیر انکاری به ظروف بلورینی دارد که از کارگاه های عصر شاهنشاهی ساسانیان در ایران کشف شده اند.

اثر دیگری که در سوشواین انظار را بخود جذب می کند آب پاشی محصول هنر پرشیا است (تصویر دست چپ) با دهانه ای بشکل سر مرغ و بدنه ای مرسع به اشکال حیوانات از جمله آهو، گوسفند، پرنده، پروانه و گل و سبزه. آب پاش (پارچ) نقره ای پرشیا دقیقاً هم شکل آب پاش سفالی است که در سلسله تانگ (Tang) چین دیده شده است.



奈良東大寺正倉院の漆胡瓶



ササン朝ペルシヤのガラス水瓶

⁵ گی گاکو نوعی نمایش است که نمایشگران با ماسک های نمادین به بازیگری می پردازند. - م
⁶ آثار موجود در این مرکز شامل اقلامی هستند که از بزرگان کشورهای مختلف در بازدید از ژاپن به امپراتور وقت هدیه داده شده اند. پس از فوت امپراتور همسر او این آثار را جمع آوری کرده است. هر ساله در ماه اکتبر تنها چند قلم از این آثار در برابر دید مردم رونمایی می شوند. م

فرهنگ پرشیا در سوشواین

بد نیست در باره علت وجود این همه هنرهای دستی پرشیایی در میان گنجینه های شوسواین به تفکر به پردازیم. سلسله ی ساسانیان در سال 651 میلادی بوسیله امپراتوری امویان عرب متلاشی شد که پس از آن ولیعهد ساسانیان فیروز به سی آن (Xian) چین در دوران سلسله ی تانگ پناهنده شد و از دربار گائوزونگ (Gaozong) مجوز بر پائی معابد زرتشتی ساسانیان را در چین اخذ کرد.

پناهندگی محدود به فیروز نشد بلکه بزرگان دربار، وزیران، موبدان، موسیقی دانان، هنرمندان و تجار نیز به عنوان مهاجر به سی آن سرازیر شدند. در این دوران سیاستمداران تانگ نیز اقدامات گسترده ای در راستای شکوفائی فرهنگ و بازرگانی انجام دادند. در این دوره از پرشیا ظروف طلایی و نقره ای، جواهرات از جمله عقیق و مهره، نمد و فرش و سکه نیز وارد چین شد. افزون بر این، موسیقی و رقص و لباس و آداب پرشیایی نیز به این سرزمین سرازیر شد. در کارگاه های شهر سی آن اقلام هنرهای دستی تولید شد که قسمتی از آن بوسیله ماموران دربار تانگ و تجار به ژاپن آورده شد، یا فن آوری ساخت آن ها به این کشور منتقل شد. در مواردی استادان ژاپنی با آنگو برداری از این تولیدات به ساخت آثاری همت گماشتند.



امپراتور سای می

پرشیا در متون "هی نو موتو مون جو"

توصیف اورآسیا⁷ و پرشیا در منابع "هی نو موتو مون جو"⁸ به قرار زیر است. "اورآسیا شامل کشور اسکیتای (سکاها- م) و پرشیا می شود. افزون بر این در این منابع به کشورهای یونان، سومر (شهر بابلی- م)، ترکیه و مصر نیز اشاره شده است. حتا کشورهای مردم سرخ مو، سیاه پوست و زرد پوست را نیز شامل می شود. "سرزمین هی نو موتو" بدون علم بر وجود اورآسیا نمی تواند در باره نیاکان خود سخن براند. با گذشت زمان جهان تغییر می کند، ملت ها عوض می شوند، بسیاری در جنگ ها نابود می شوند، اصولا تاریخ پابرجا نمی ماند. بنابراین نام اورآسیا عمومیت پیدا می کند.

"هی نو موتو مون جو" بطور مفصل گردهمائی یا مراسم ناایم (Naadam) را معرفی کرده است. اهالی برای شرکت در مراسم ناایم که هر سه سال یکبار در شهر چی تا (Chita) ی روسیه برپا می شد با عبور از جزیره اوشیما (Oshima) (استان هوکایدو- م) و ورود به ساخارین، در جهت مخالف رودخانه ی آمور (Amur) در این شهر حضور می یافتند. در میان شرکت کنندگان تجار پرشیایی، مغولی، یونانی، مسافرین سومری و غیره بودند که با شرکت خود تنوع

⁷ Euro-Asia

⁸ Hinomoto document

ویژه ای به مراسم می بخشید. شرکت متنوع ملت های گوناگون از کشورهای مختلف نادم را تبدیل به یک کورتای(مرکز تبادلات آزاد تجاری) جهانی می کرد. تبادل سفارشات سه سال آینده انجام می گرفت و در نهایت مراسم یک هفته به پایان می رسید. قوانین و مقررات بسیار سختی را در حمایت از تجار تدوین کرده بودند. از جمله اگر کسی به تاجری حمله می کرد جرمش مرگ بود، یا ملت متجاوز می ممکن بود به بردگی ملت دیگری در آید. از این جهت بود حتی قوم برتر هم حق نداشت به تاجری دست درازی کند.

کسی که از "سرزمین هی نو موتو" می خواست برای تبادلات تجاری در گردهمائی کورتای شرکت کند لازم می بود تا از فرمانده نظامی مجوز اخذ کند. شهر تاجی مکانی برای سکونت دائم نبود، شرکت کنندگان پس از اتمام مراسم نادم یا کورتای محل را به قصد کشور خود ترک می کردند. معنای زیارت اسکیتهای شامل زیارت خدایان بسیاری در اسکیتهای یونان، ترکیه، اسرائیل، سومر، مصر بوده است."

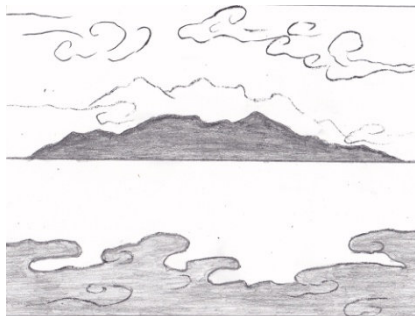
گزارش شده است که قبیله آندو(Ando clan) توانسته بود تا اعماق اوراسیا نفوذ کند. آن ها با اختیار کردن قایق و اسب در جهات گوناگون پیشروی می کردند. با بهره گرفتن از جهت باد و جریان آب در جاده دریائی ابریشم و همچنین با استفاده از روش چاپاری(عوض کردن اسب ها در ایستگاه ها- م) در جاده دشتزاری ابریشم می توانستند در مدت کوتاهی که از تصور ما خارج است تغییر مکان بدهند.

اهالی قبیله آندو با تجهیز نیروی دریائی و ایجاد پایگاه بندری توسا(Tosa-Minato) در شهر آنوموری(Aomori) استان آنوموری به تجارت طلا در سیبری مشغول بودند. آن ها با هوکائیو، ساخارین، کره، چین، تایوان، هندوچین، کشورهای جنوب شرق آسیا و حتی پرشیا روابط بازرگانی برقرار کرده بودند.

در عصر پادشاهی سونگ(Song: 960~1279) در شهر زایتون(Zaiton) استان فعلی فوجیان(Fujian) چین بندرگاه تجاری ایجاد شده بود که در سراسر چین بی نظیر بود. زایتون به بندرگاه جهانی تبدیل شده بود و بازرگانان پرشیائی، عرب در آن رفت و آمد داشتند و با بندرگاه توسا در هوکائیو که آن هم جنبه بین المللی پیدا کرده بود روابط تنگاتنگی برقرار کرده بودند. رابطه میان بازرگانان پرشیائی و عرب با نیروی دریائی آندو دوستانه بود و تبادلات تجاری میان آن ها رونق داشت. شهر زایتون در عصر سلسله پادشاهی یوان مغول ها(Yuan: 1271-1368) همچنان بندری جهانی به شمار می آمد و نیروی دریائی قدرتمندی برای دفع مزاحمت های دزدان دریائی تشکیل شده بود.

سفرنامه اورینت

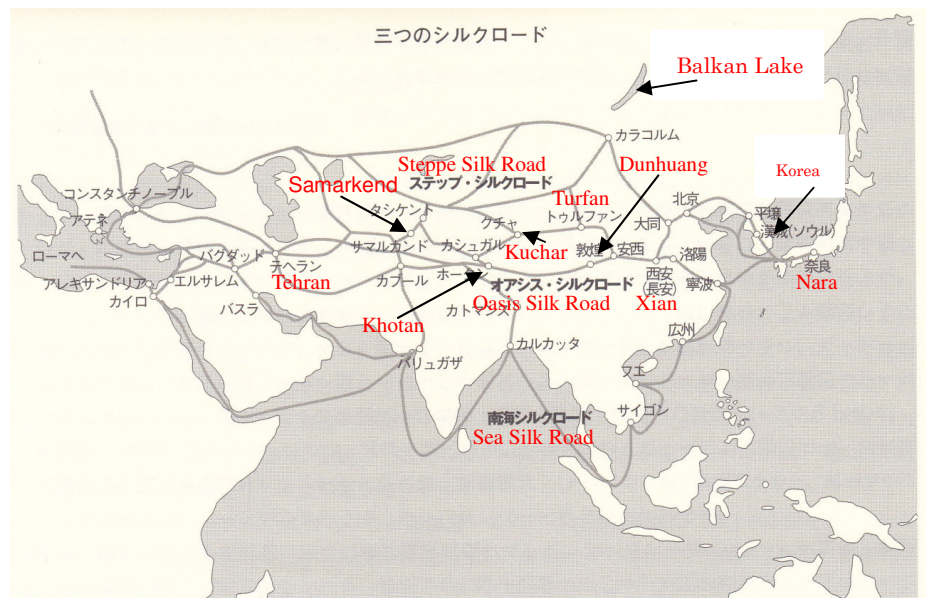
تاکاسوئه آکیتا(Takasue Akita) شخصی که "هی نو موتو مون جو" را ویرایش و تدوین کرد در بخش "سفرنامه اورینت" ترسیمی از جزیره قشم(Qeshm)(جزیره ی خردی در تنگه هرمز- م) را به شکل زیر ارائه داده است. سپس جزئیات "سفرنامه" را به طور مفصل توصیف می کند. این سفر به تاریخ ششم فوریه 1793 میلادی انجام گرفته است.



نقاشی جزیره قشم



رودخانه آمور و سلسله جبال استانووی(در روسیه)



"نیاکان ما در سرزمین هی نو موتو در جستجوی ریشه ی باورهای آراهاباکی⁹ (Arahabaki) از منطقه ی آنوموری در "سرزمین هی نو موتو" سفر خود را آغاز کردند. آن ها از سمت جزیره اوشیما (هوکایدو) با عبور از ساخارین وارد سرزمین های اوراسیا شدند و پس از پیمایش کوه ها در جهت مخالف رودخانه آمور کوه های استانوی روسیه را پشت سر گذاشتند و سپس به برکه بالکان رسیدند و از آن جا با عبور از دشت آلتای به یونان رسیدند. در حین سفر بناهای تاریخی و آثار بسیاری را مشاهده کردند. از این جهت است که آن ها مشاهدات خود را ترسیم کردند و بجا گذاشتند."

"هی نو موتو مون جو" در زمان حکمرانی اِدو باکوفو¹⁰ جمع آوری و تدوین شده است. اما این که چنین سفرهایی به سومر و اوراسیا در عصری که به "عصر ژاپن تحت حصار" مشهور است چرا اتفاق افتاده است قابل تامل و بازنگری است. در اواخر حکومت اِدو باکوفو سیاستمداران در مقابل سیاست کشورگشایی روسیه به سمت شرق دور احساس نا امنی می کنند و بدستور روجو (Rokujo) کنسول وقت، سفر به مناطق شمالی را شروع می کنند.

از طرفی روجو در سال 1781 به خانواده می هاروهان (Miharuhan) و یوشی سوئه آکیتا (Yoshisue Akita) دستور می دهد تا از مناطق شمال ژاپن و همچنین اوراسیا بازدید کنند و از طرفی یوشی سوئه هم به تاکاسوئه آکیتا دست مزدی می دهد تا برای یک سفر بزرگ خود را آماده کند. مکنت می هاروهان اگرچه قابل توجه نبوده است ولی از راه تجارت موفق می شود ثروتی ذخیره کند.

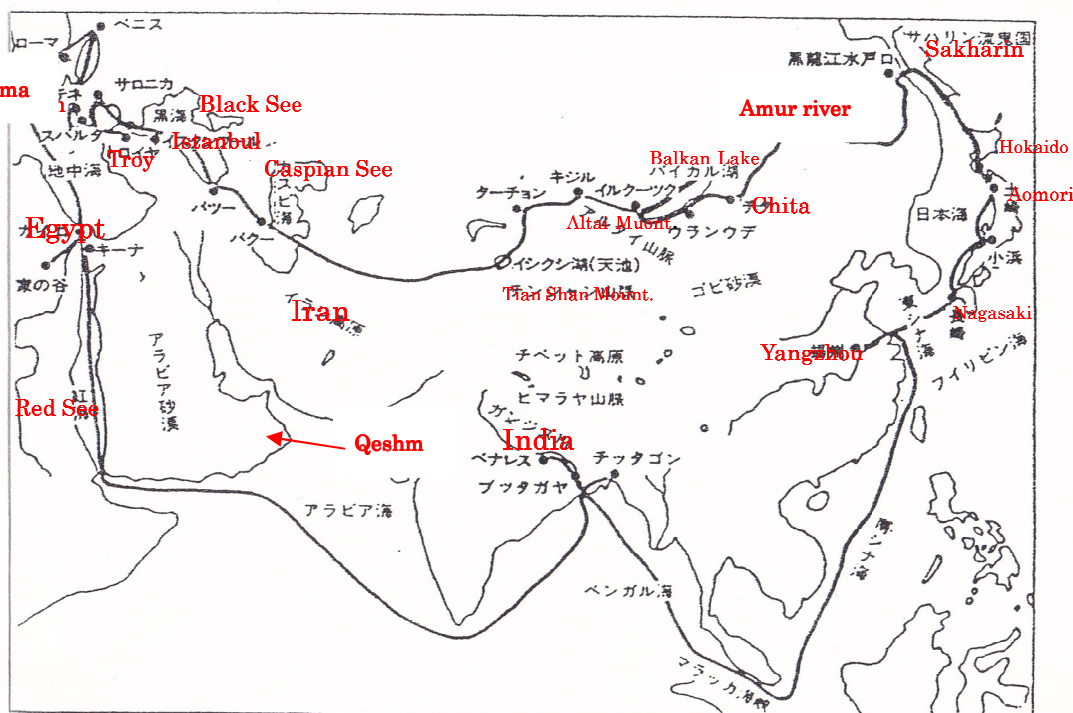
تاکاسوئه آکیتا در طول زمان چهل سال موفق می شود جمعاً سه بار از اوراسیا و اورینت دیدن کند. از طریق سیبری جاده ابریشم دشتزاری را پشت سر می گذارد و به میان رودان (بین النهرین)، مصر و یونان سفر می کند. در این مدت به نقشه ها و منابع بسیار دست می یابد و از خود ده ها جلد دفتر یادداشت بجای گذاشته است. سفر کاشفانه ی اوراسیای آن ها را به طور مختصر مرور می کنیم.

اولین سفر اوراسیا: تاکاسوئه آکیتا در سال 1774 میلادی به همراه هشت نفر دیگر اولین سفر خود را از هوکایدو آغاز می کند و پس از دیدار از منچوری، پکن و یانتگشو در چین و دست یابی به کتب کهن این سرزمین به ژاپن باز می گردد.

Akita(Hokaido) → Sakharin → Mongolia → Manchuria → Beijing → Yangzhou → Japan

⁹ اعتقادات مشهور به آراهاباکی که در میان مردم سرزمین هی نو موتو رواج داشته است مخلوطی از باورهای مرسوم در میان سومری ها، هندی ها، چین و دیگر مردم اوراسیا است. آن ها بر این باور بودند که اعتقادات دینی همگی محترم است و باید به یک اندازه مورد تکریم قرار گیرند. - م

¹⁰ Edo Bakufu(1603-1868) دستگاه حکمرانی طبقه ی فنودال وقت در ژاپن است که مرکز حکمرانی خود را در اِدو یا توکیو حاضر قرار داد. حکمرانان این دوره از تماس با دنیای بیرون پرهیز می کردند و از این جهت است که این دوره از تاریخ ژاپن را به "عصر ژاپن تحت حصار" یاد می کنند. - م



秋田孝季一行の「ユーラシア巡脚」ルート図

(藤本光幸「北の敗者の記録つれづれ」4)、『陸奥新報』平成4年9月27日付より)

مسیرهای سفر اکیپ تاکاسونه آکیتا به اورآسیا

دومین سفر اورآسیا: دومین سفر آکیتا به همراه یک اکیپ بیست و دونفره در فاصله سال های 1780 تا 1782 میلادی به دستور روجو رخت عمل پوشید. آکیتا گزارش مفصل این سفر را به روجو ارائه می دهد. مسیر سفر آنها به قرار زیر بود:

Sakharin → Mongolia → Tien-Shan Mountains → Turkey → Greece → Egypt → Israel → Sumer → India → West Lands → Yangzhou → Matsuura (Japan: Kyushu island)

سومین سفر اورآسیا: سومین سفر آکیتا و همراهان به دستور حکومت باکوفو به مدت دوسال از سال 1786 تا 1788 میلادی صورت گرفت. با وجود این که سفری محرمانه بود اما کاملاً رسمی و با اطلاع دستگاه سیاسی بود. مسیر این سفر به قرار زیر بود:

Hokaido → Sakharin → Amur river → Chita (Russia) → Rasht → Bagdad → Black See → Istanbul → Aegean See → Troy → Greece → Egypt → Sinai Peninsula → Red Sea → India → China → Japan

جزیره قشم در تنگه هرمز

آن طور که در بالا توصیف شد تاکاسونه آکیتا سه سفر به اورآسیا و اورینت را با موفقیت انجام داد. او در سفر دوم از اسرائیل، سومر، هندوستان و یانگشوی چین بازدید کرد. در مسیر سومر- هندوستان او با عبور از دو رودخانه شط الفراط و دجله وارد خلیج فارس و تنگه هرمز می شود و هنگام عبور از خلیج عمان نمای جزیره قشم را از راه دور نقاشی می کند. سفر دوم آکیتا از سال 1780 تا 1782 میلادی بمدت دوسال بود اما سفر و نقاشی از جزیره قشم در سال 1793 میلادی حدود ده سال بعد از سفر اورآسیا انجام شده است.

جزیره قشم به مناسبت موقعیت جغرافیائی آن که در آبراه تنگه هرمز قرار دارد از دوران باستان از اهمیت بسزائی

برخوردار بوده است. از آن جایی که پایگاه مهمی برای دسترسی به اقیانوس هند از طریق خلیج عمان بود مکرراً در تیر رس تهاجمات بی وقفه خارجی ها برای تسلط بر آن بوده است. قشماً ضمناً پایگاه نظامی هم بوده است. نزدیک ترین شهر بندری به قشماً، بندر عباس است که یکی از بندرهای بی نظیری برای تبادلات تجاری از جمله ادویات، جواهرات، ابریشم، عاج فیل و غیره بوده است که میان تجّار پرشیائی و هندی و دیگران صورت می گرفته است. جهانگردان مشهور از جمله مارکوپولوی (Marco Polo: 1254-1324) ایتالیائی، ابن باتوت (Ibn Batoutah: 1304-1368) مراکشی و مسافران چینی از تتگه هرمز دیدن کرده اند. تاکاسونه آکیتا و همراهان، اقوام آبه (Abe) و آندو نیز در اواخر حکومت باکوفو از اورآسیا و اورینت بازدید کردند.